

شنبه 20 فروردین 6 جمادی الاول 9 آوریل

آغاز خلافت راضی بالله عباسی در سال 322 هجری قمری...



آغاز خلافت راضی بالله عباسی در سال 322 هجری قمری پس از برکناری قاهر بالله عباسی و شکنجه و آزار وی توسط برخی از فرماندهان سپاه و دولتمردان سیاسی دربار عباسی، بی درنگ به سراغ ابوالعباس محمد بن مقتدر بالله رفته و وی را برای پوشیدن ردای خلافت مهیا نمودند.

وی از کنیزی به نام "ظلوم" در رجب سال 297 قمری به دنیا آمده بود و پس از قتل پدرش مقتدر و خلافت عمویش قاهر بالله، مورد خشم خلیفه وقت و دولتمردان عباسی قرار گرفت و بدین جهت، بیشتر اوقات در خفا زندگی می کرد، تا از آزار و آلام دستگاه خلافت در امان باشد.

اما پس از خلع عمویش قاهر بالله، کاندیدای خلافت شد و لقب "الراضی بالله" را برای خویش برگزید.

مخالفتان قاهر بالله که راضی بالله را بر سریر خلافت نشانده بودند، تلاش زیادی به عمل آوردند تا از همه قضات، دبیران، وزیران، فرماندهان سپاه و بزرگان و ریش سفیدان طایفه بنی عباس برای راضی بالله بیعت گرفته و حکومت و خلافتش را تسریع و تثبیت نمایند.

راضی بالله در آغاز کار، ابوعلی بن مقله را به مقام وزارت عالی و علی بن عیسی را مسئول کنترل و نظارت دربار قرار داد. این دو، در خلافت قاهر بالله عباسی، مورد خشم خلیفه قرار گرفته و متواری شده بودند.

هم چنین راضی بالله دستور داد تمامی زندانیان را از زندان آزاد و افرادی که در حکومت قاهر بالله، اذیت و آزار شده بودند، مورد نوازش قرار گیرند.

به دستور راضی، پزشک ویژه قاهر بالله، یعنی عیسی را دستگیر کردند ولیکن با مصادره دویست هزار دینار وجه نقد از او، آزادش کردند و سپرده های زیاد سیم و زر را که قاهر در نزد او گذاشته بود، از او بازستاندند.

راضی بالله، تا ربیع الاولی سال 329 قمری در مصدر خلافت و حکومت عباسیان قرار داشت و در این سال، پس از شش سال و ده ماه خلافت، بدرود حیات گفت. دربار او گفته شد که وی از خوبان خلفا بود.

قطع رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در سال 1359 هجری شمسی قطع رابطه سیاسی ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، پس از فراز و نشیبهای بسیار در روابط دو کشور و بعد از گذشت بیش از یک قرن و نیم از زمان سلطنت محمد شاه قاجار در سال 1299 ه.ق تا سقوط حکومت محمد رضا شاه پهلوی در سال 1357 ه.ش که در فروردین 1359 ه.ش به وقوع پیوست در واقع پایان ارتباط استعماری آمریکا با ایران بود.

شهادت حاج سید مرتضی آوینی روز هنر انقلاب اسلامی در سال 1372 هجری شمسی بیستم فروردین سال 1372 یادآور عروج سید شهیدان اهل قلم و هنرمند فرزانه حاج ید مرتضی آوینی نویسنده توانا، راوی با صفات روایت فتح، سردبیر مجله ادبی و هنری سوره و مسؤل واحد تلویزیونی حوزه هنری می باشد. وی که همراه یک گروه فیلمبرداری جهت ساخت مجموعه جدیدی از روایت فتح به یکی از مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس به همراه مهندس محمد سعید یزدان پرست به مین برخورد کرد و شهادت رسید.

شهید آوینی دو روز قبل از عزیمت به منطقه فکه، در پاسخ به این سؤال که به کدام منطقه می روی گفته بود:

می دانی به کجا می روم، به فکه، همانجایی که رزمندگان ما با چشم خود تحویل نفوس شهدا توسط فرشتگان را مشاهده می کردند.

پس از شهادت این بزرگوار، رهبر حکیم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی از ایشان به عنوان سید شهیدان اهل قلم تجلیل کردند.

سالروز شهادت هنرمند متعهد انقلاب اسلامی و دلسوخته جبهه های حق علیه باطل بیانگر حقایق و رشادتها و شجاعتها رزمندگان اسلام، بنا به پیشنهاد شاعران، نویسندگان و هنرمندان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به مقام معظم رهبری، روز هنر انقلاب اسلامی نامگذاری شد.

زندگینامه و فعالیتهای شهید سید مرتضی آوینی:

شهید بزرگوار سید مرتضی آوینی در سال 1326 شمسی در شهر ری دیده به جهان گشود. بعد از گذراندن تحصیلات مقدماتی و اخذ دیپلم، موفق به گرفتن کارشناسی ارشد معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، در زمینه ادبیات مطالعاتی انجام داد.

بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل جهاد سازندگی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) در سال 1358 شمسی به فعالیت در جهاد سازندگی مشغول شد و جهت مرتفع ساختن مشکلات روستائیان به روستاها عزیمت کرد؛ اما از مشاهده ظلم و ستمی که به این طبقه از جامعه از طرف رژیم سابق وارد شده بود، بنا به ضرورت به سوی فیلم سازی برای جهاد سازندگی کشانده شد و اولین کار خود را در مجموعه تلویزیونی "خان گزیده ها" که در ارتباط با غائله خسرو قشقایی بود، به تصویر کشاند. سال بعد به عنوان نماینده جهاد سازندگی به گروه تلویزیونی جهاد پیوست و مجموعه فیلمهای "روایت فتح" را که خلقتی زیبا از هنر به یاد ماندنی رزمندگان اسلام بود، به یادگار گذاشت.

شهید هنرمند بیش از صد فیلم مستند را تدوین و کارگردانی کرد (یک قسمت از سیل خوزستان، قسمتی از مزد جهاد شهادت، یک قسمت از فراق یار، یک قسمت از دیار فراموش شده بشاگرد و هفتاد قسمت روایت فتح). شهید آوینی از سال 1367 شمسی تا پایان جنگ به فعالیت در حوزه هنری پرداخت و تا سال 1370 علاوه بر سردبیری ماهنامه سوره و نشریات وابسته به آن، مسئولیت واحد تلویزیونی را نیز به عهده داشت.

کتاب آیین جادویی او (حاوی مجموعه مقالات سینمایی) نشان داد که برخلاف بسیاری از مدعیان، حرفهای اساسی و جهان بینی و نگرشی قوام یافته و سامانمند نسبت به سینما دارد. شهید آوینی از سال 1371 با تأکید مقام معظم رهبری فعالیت دوباره ای در جهت ساخت سری جدید روایت فتح آغاز کرد و همزمان با فعالیت گروه های تخصصی، جهت شناسایی پیکرهای شهیدان جاویدالآثر هشت سال دفاع مقدس، تصاویر جدید "روایت فتح" را جهت بازگویی حقانیت این شهیدان و بیان مظلومیت آنان ضبط کرد و سرانجام در 20 فروردین 1372 شمسی در تحقق همین هدف به شهادت نایل شد و در جوار شهیدانی که سالها در فراقشان، برایشان مرثیه می خواند و در وصلشان لحظه شماری می کرد، آرمید.

شهید آوینی به جوار مولایش حسین علیه السلام و ولی امرش حضرت امام خمینی (ره) پیوست تا راه و رسم شهادت را بسته نپنداریم. پیکر پاک شهید سید مرتضی آوینی هنرمند بسیجی در 22 فروردین با حضور مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) و گروهی از مسئولان کشور و هنرمندان شیفته هنر، تشییع شد و در گلزار شهدای بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شد.

آثار شهید آوینی:

از آثار شهید آوینی مجموعه مقالات سینمایی با نام آیین جادو، کتاب آغازی بر یک پایان، کتاب فتح خون و کتاب مجموعه مقالات فرهنگ و هنر، مقاله شرح نور در تفسیر غزلیات حضرت امام خمینی (ره)، پروسترویکای اسلامی وجود ندارد، گرداب شیطان، وفاق اجتماعی، اسلامیت یا جمهوریت، یادداشتی ناتمام در باب هویت و حقیقت انسان، آیا تأثیر زنده می ماند؟، کدام عرفان، آفات غرض ورزی، تحلیل آسان، حلزون هایی خانه به دوش، تجدد یا تحجر، یک هشدار، کانون کدام نویسندگان، انقلاب اسلامی و اتوپیای غرب زدگان، راز رمز، شعر و جنون، غزال غزل، یاد بهشت و نوحه انسان در فراق، فرهنگ یا فرهنگ توسعه؟، زبان و فضا، تکرار مکررات، بنیان سفسطه بر باد است، صلیبی از خون سرخ، راز سرزمین آفتاب، آزادی قلم، ادبیات آزاد یا متعهد، فلسفه تسخیرگر، ما و فرهنگ واحد جهانی، انفجار اطلاعات و ژورنالیسم حرفه ای را می توان نام برد.

دیدگاه‌های شهید آوینی:
شهید آوینی تنها صورت مشروع از حکومت را نظام مبتنی بر ولایت فقیه می‌دانست:

"ولایت فقیه تنها صورتی است که می‌تواند به حکومت اسلام فضیلت بخشد. فقیه، انسانی است که حقیقت دین در وجود او تعیین یافته است و قدرت استنباط احکام عملی دین را از سرچشمه‌های حقیقت که کتاب و سنت است داراست."

سید شهیدان اهل قلم، آزادی را برای انسان حق نمی‌دانست بلکه آزادی را یک تکلیف برای انسان می‌دانست:

"آزادی حق انسان نیست، بلکه تکلیف اوست در برابر حقیقت و عدالت و البته در این گفتار نیز مسامحه‌ای وجود دارد که آزادی در حقیقت خویش مقابل‌ه‌ای با حقیقت و عدالت یا تعهد ندارد و اگر حقیقت آزادی ظهور می‌یافت، همه دعواها از میان بر می‌خاست. این دعواها از سر جهل در خصوص حقیقت آزادی است که "حریت" است."

شهید بزرگوار آوینی حضور را برتر از حصول می‌دانست و تقوا را یگانه راه حقیقی کسب معرفت می‌خواند و حضور دل آگاهانه و متذکرانه را از لوازم تفکر حقیقی می‌دانست؛ زیرا که او تفکر را جز به معنای تقرب نمی‌دانست:

"تفکر حقیقی، همان تفکر حضوری است که ذکر است و ذکر نیز نه آن چنان است که به کوشش خود حاصل آید. حضور عین ذکر است و تقرب است و غفلت عین بُعد است."

شهید آوینی ترویج التقاط فرهنگی را یکی از اهداف تهاجم فرهنگی می‌دانست:
"تهاجم فرهنگی دشمنان انقلاب متوجه همه آن نقاطی است که انقلاب اسلامی را هویت مستقل بخشیده و آن را به مبارزه با غرب می‌کشاند: فرهنگ اسلامی انقلاب، ولایت فقیه و عدم رابطه با آمریکا."
سید شهیدان اهل قلم، عاشق پاکبخته مقام عظمای ولایت و پیرو راه پیر و مراد خویش حضرت امام خمینی (ره) و مطیع و فرمانبردار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) بود.